



تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بازیگران مهم بین المللی در فرآیند حصول برجام



مجموعه مقالات

تأثیرگذاری و تاثیرپذیری بازیگران مهم بین المللی در فرآیند حصول برجام

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: www.Tabyincer.com

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توافقی است میان ایران و پنج کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل به علاوه ای آلمان و اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۵ به دست آمد. طبیعتاً هر سند و معاهده‌ی بین‌المللی، محصول فرآیند خاصی است و نمی‌توان آن را پدیده‌ای دانست که دفعتاً به دست آمده است. برجام نیز از این قاعده مستثنی نیست و تحت تاثیر عوامل مختلفی، طی مدت زمانی خاص به ثمر رسید؛ این عوامل، شامل برخی از کشورها، گروه‌های فراملی و نهادهای فراملی است. در عین حال، برجام پس از به نتیجه رسیدن و تبدیل شدن به یکی از مصوبات شورای امنیت، خود به عاملی تاثیرگذار بین بازیگران پیش‌گفته تبدیل شد. با توجه به اهمیت این فرآیند، لازم است میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری بازیگران مهم در برجام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مواضع، منافع و اهداف هریک از بازیگران مهم در فرآیند حصول برجام:

مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در آن زمان سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان، طرف مستقیم مذاکرات با ایران بودند. نهایتاً، با پیوستن روسیه، آمریکا و چین، به انگلستان، آلمان و فرانسه، گروه ۵+۱ تشکیل شد. گروه پنج به علاوه یک، از عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه) و آلمان تشکیل شده و هدف آن هماهنگ کردن این کشورها نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران است. [۱]. البته در روند طولانی مذاکرات هسته‌ای نقش لابی‌های رژیم صهیونیستی و عربستان همچنین نقش نهادهای بین‌المللی‌ای چون آژانس انرژی اتمی غیر قابل انکار است، اما تمرکز مقاله حاضر بر کنش‌های این ۶ کشور (۵+۱)

در فرآیند حصول برجام می باشد. حال به تفکیک، به بررسی منافع، مواضع، اهداف و به طور کلی عملکرد هر یک از این بازیگران در روند حصول برجام خواهیم پرداخت.

ایالات متحده:

در سطح رسانه ای، غالباً از منافع جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با آمریکا سخن به میان آمده است، ولی در یک استراتژی پایاپای قطعاً برای تحلیل وضعیت یک موقعیت سیاسی مخصوصاً بین المللی حتماً باید به جوانب مختلف محیطی و محاطی آن مساله نیز توجه شود. اگر بخواهیم به منافع آمریکا برای ورود به روند مذاکرات با ایران بپردازیم:

مشروعیت به حضور ایالات متحده در منطقه: خاورمیانه یکی از مهم ترین مناطق استراتژیک و ژئوپلتیک جهان است که سال ها مرکز حوادث بین المللی بوده و هست، خاورمیانه منبع بزرگترین ذخایر انرژی یعنی نفت و گاز جهان است و لوله های نفتی خاورمیانه رامی توان شاهرگ حیاتی صنعتی و نظامی دنیا دانست. تضمین امنیت منافع انرژی آمریکا در مناطق نفت خیز خاورمیانه همواره یکی از اهداف مهم سیاست خارجه آمریکای طی پنج دهه گذشته بوده است. «فرانک ویزنر» دیپلمات پیشین ایالات متحده، این پرسش را مطرح کند که: «چه معامله ای است که به ایران اجازه می دهد تا مشروعیت حضور ایالات متحده در منطقه را بپذیرد و هم چنین به آمریکا این فرصت را می دهد که جایگاه ایران را به رسمیت بشناسد؟» وی اضافه نمود که؛ ما تا هنگامی که بسته تفاهمی با ایران نداشته باشیم نه می توانیم به مذاکرات ژنو (در مورد سوریه) برویم، نه ضمانت امنیتی برای کشتی ها و ملوانان آمریکا در خلیج فارس می یابیم، نه چارچوبی مدیریتی برای افغانستان می توانیم طراحی کنیم و نه می توانیم به حساسیت های اسرائیلی در منطقه پاسخگو باشیم [۲].

پاسخ به مطالبات اجتماعی برای حل مسالمت‌آمیز مذاکرات هسته‌ای ایران: نمی‌توان فراموش کرد که در طول ۵ سال اول ریاست جمهوری اوباما، یکی از وعده‌های مهم او برای ملت آمریکا حل سریع پرونده هسته‌ای ایران بوده است و با پیچیده‌تر شدن روند مذاکرات و ابتکارات دیپلماسی ایران در طول چند سال گذشته موجب ناکامی اوباما در تحقق بخشیدن به وعده‌های انتخاباتی وی بوده است. لازم به ذکر است نظرسنجی شبکه «سی‌ان‌ان» حاکی از آن است که ۷۵ درصد مردم آمریکا خواستار مذاکره مستقیم دیپلماتیک کشورشان با ایران در خصوص برنامه هسته‌ای تهران هستند.

اقتناع محافل داخل و خارج از آمریکا برای شروع راهکارهای سخت‌علیه ایران: براساس تحلیل اطلاعات منتشره از سوی محافل داخلی آمریکا، طیف تندروی داخل آمریکا این مذاکره را اساساً به معنای یک اولتیماتوم نهایی به ایران تفسیر می‌کنند. به عقیده این طیف که اتفاقاً در عرصه سیاست خارجی آمریکا اکثریت را تشکیل می‌دهند، در صورت انجام مذاکرات مستقیم و عالی میان دو کشور دیربازدبی نتیجه بودن گفتگو با ایران به اثبات خواهد رسید و نهایتاً این استنتاج در میان نخبگان و همچنین افکار عمومی جامعه آمریکا پدید می‌آید که حتی مذاکرات مستقیم با سران ایران نیز قادر به مهار این کشور نیست و بنابراین می‌بایست گزینه‌های سخت‌تری از جمله حمله نظامی به ایران بایستی روی میز قرار گیرد. غلبه این تفکر در محافل سیاسی خارج از آمریکای می‌تواند به اقتناع جامعه جهانی برای استفاده از اهرم‌های فشار سنگین‌تر علیه ایران، و نهایتاً مشروعیت بخشی به استفاده از گزینه‌های سخت‌علیه این کشور شود.

ایجاد سرخوردگی بین ملل مستعدیده جهان: دولت آمریکا در پی آن است تا با بزرگ‌نمایی موضوع مذاکره میان دو دولت و انتشار هدفمند گزارش مذاکرات مستقیم میان سران دو کشور که در گفت‌وگوی تلفنی اوباما و روحانی نمود یافت و اتفاقاً با بروز احساسات صمیمانه میان آن دو همراه بوده است، مطمئناً موجی از سرخوردگی را در افکار

عمومی مسلمانان ایران و جهان پدیدار سازد. چرا که افکار عمومی و خصوصاً ملل تحت ستم جهان اسلام به ایران به مثابه قهرمان بزرگ مقابله با آمریکا و غرب می‌نگرند و انتشار عمومی این رفتار متناقض که با هیچ کدام از مواضع سابق نظام همخوانی نداشته است، این تلقی را در نزد ملل محروم می‌تواند به وجود آورد که خط سازش، گفتمان نیرومند مقاومت و استکبارستیزی را در داخل ایران به زانو درآورده است.

فشار به مردم برای پذیرش جریان‌های سیاسی سازش کار: نیویورک تایمز درباره یکی از مهمترین منافع آمریکا در مذاکره با ایران می‌گوید: «هدف نهایی همه‌ی فشارهایی که اکنون غرب به رهبری آمریکا و با صحنه گردانی اسرائیل بر مردم و نظام ایران وارد می‌کند، روی کار آوردن مجدد اصلاح طلبان در ایران است.»

احیای هژمونی شکست خورده اسرائیل در مذاکره با ایران: آمریکا به خوبی می‌داند که سیاست‌های نظامی و آشوب‌گرایانه اسرائیل در منطقه به شکست انجامیده

آمریکا به طور مستمر با فعالیت‌های هسته‌ای ایران مخالفت می‌ورزد. در حالی که ایالات متحده، ایران را درصدد ساخت بمب اتم می‌داند و آن را متهم به نقض مفاد ماده ۲ پیمان منع گسترش می‌کند، خود به محدودیت‌های ناشی از ماده ۶ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تن در نداده و درست در نقطه مقابل به گسترش سلاح‌های هسته‌ای جدید می‌پردازد.

است و با وضعیت کنونی که در اسرائیل وجود دارد احتمال شروع اعتراضات گسترده در خاک اسرائیل نیز وجود دارد. به همین دلیل، آمریکا به دنبال این است که شکست اسرائیل را در عرصه‌های مختلف سیاسی نظامی در جبهه مذاکره با ایران جبران کند. برای همین آمریکا به دنبال این است که شکست اسرائیل را در عرصه‌های مختلف سیاسی نظامی در جبهه مذاکره با ایران جبران کند زیرا در صورت مواجهه ایران و آمریکا این اسرائیل است که بر موج اقبال سوار خواهد شد و شکست - هایی که در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۱۱ روزه و در نهایت در سوریه خورده است را به پیروزی تبدیل خواهد کرد. زیرا

اسرائیل در تمامی این جنگ‌ها به خوبی میدانست که در یک جنگ نیابتی وارد شده است که طرف واقعی او کسی جز ایران نیست.

روسیه:

روسیه، تنها کشوری است که در دهه ۱۹۹۰ در زمینه هسته‌ای، آشکارا با ایران همکاری کرده است. اما به سبب تلاش‌های خود در برنامه هسته‌ای با ایران مورد انتقاد شدید ایالات متحده نیز قرار گرفته است. با این همه، همگرایی سیاسی و اقتصادی با جهان غرب به عنوان یک هدف اساسی همچنان پیش روی رهبران روسیه است. از سوی دیگر، روسیه نیازمند دوستان و بازارهای سنتی خود است تا در رقابت استراتژیک از صحنه بیرون رانده نشود. سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران در واقع، تلاش برای حفظ منافع این کشور در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک است. مسکو ناچار است از یک سو به تعهدات خود به عنوان یک قدرت جهانی و الزامات در روابط با غرب پای بند باشد و از طرف دیگر به واسطه منافع مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران، به حمایت نسبی از ایران ادامه دهد. روسیه با اتخاذ رویکردی عملگرایانه، به توسعه روابط اقتصادی و تجاری سودمند دوجانبه و تقویت مواضع خود در بازار هسته‌ای ایران اهتمام ورزیده است. با این حال، روسیه به خوبی می‌داند که قدرت گرفتن بیش از حد یک کشور مسلمان در خاورمیانه، بدون شک، تا چه اندازه‌ای می‌تواند برای این کشور، پیامدهای منفی احتمالی به همراه داشته باشد و همیشه راه میانه‌ای را انتخاب کرده است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است. علی‌رغم محدودیت‌ها و اختلافاتی که در روابط روسیه و ایران وجود دارد، اما این روابط برای هر دو کشور سودمند می‌باشد. از دیدگاه روسیه، ایران می‌تواند یک مشتری تسلیحاتی عالی و بازار ایران برای رآکتور هسته‌ای

روسیه، سودمند باشد. در ضمن، یک ایران مستقل و قوی می‌تواند مانع از هژمونی و تسلط آمریکا بر منطقه خلیج فارس - که مسکو منافع حیاتی در آن دارد - شود. از دیدگاه ایران، روسیه می‌تواند منبع امنی برای خرید تسلیحات توسط ایران باشد و همچنین می‌تواند یک متحد دیپلماتیک برای ایران در مقابل آمریکا باشد که تلاش می‌کند ایران را منزوی سازد [۳].

انگلستان:

بانگاهی به روابط پرفراز و نشیب دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ تا کنون نشانگر نوعی پرتنش و نبود یک سیر منطقی در کاهش یا افزایش روابط دو جانبه بوده است [۴]. آنچه واضح است این است که دولت بریتانیا همواره بر اساس منافع تجاری اش عمل کرده و می‌کند. این کشور روزی در راس نظام بازرگانی دنیا قرار داشت و امروز هم که پرچمداری بردوش ایالات متحده امریکا است، خوی ذاتی بریتانیا فراموش نشده و نمی‌شود [۵]. در مورد منافع و اهداف بریتانیا در مذاکرات هسته‌ای باید بیان داشت که طی دهه گذشته، سیاست‌های بین‌المللی این کشور به طوری سابقه‌ای همسو با ایالات متحده قرار گرفته است. در همین راستا در کلیه سال‌هایی که مذاکرات هسته‌ای برقرار بود، انگلستان همواره در کنار ایالات متحده قرار داشته است. طوری که در ۷ سپتامبر ۲۰۱۲، وزیر خارجه بریتانیا آثار تحریم‌های خارجی بر ایران را جدی خواند و خواستار ادامه برخورد با برنامه اتمی این کشور شده است. اما رفته رفته با گرایش بیشتر آمریکا به مذاکره با ایران، انگلستان هم انعطاف بیشتری به خرج داد جوری که فیلیپ هموند، وزیر خارجه انگلیس از توافق ایران و ۱+۵ بر سر عناصر کلیدی موافقت نامه هسته‌ای نهایی استقبال کرد و گفت: بر اساس این موافقت نامه ایران از کاهش چشمگیر تحریم‌های اقتصادی و مالی، شامل پایان همه قطعنامه‌های شورای

امنیت سازمان ملل، برخوردار خواهد شد [۶]. به طور کلی انگلستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره تمایل به حضور در ایران و پر کردن خلا ایالات متحده داشته است. روابط پرفراز و نشیب ایران و بریتانیا طی سال‌های گذشته همانگونه که نشانگر نیات سو انگلستان در رابطه با ایران بوده، به همان اندازه بیانگر تمایل این کشور برای بازگشت به روابط دیرینه خود با ایران بوده است.

فرانسه:

فرانسه همواره یکی از طرف‌های مهم مذاکرات هسته‌ای بوده است. برای نخستین بار در بحبوحه جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بود که دومینیک دوویلپن، وزیر امور خارجه وقت فرانسه، با چراغ سبز ژاک شیراک، رئیس‌جمهوری پیشین، یک ایتلاف اروپایی برای مذاکره با ایران تشکیل داد. هدف از این اقدام نشان دادن این موضوع بود که برای مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی لزومی به جنگ نیست و برخلاف آمریکا که به بهانه وجود چنین سلاح‌هایی به عراق حمله کرد، می‌توان از راه‌های صلح‌آمیز جلوی دسترسی به تسلیحات کشتار جمعی را گرفت. در ابتدا، مثلث اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا که به ابتکار پاریس تشکیل شد، مورد استقبال تهران قرار گرفت. اما پس از دو سال، بویژه پس از انتخاب نیکولا سارکوزی به ریاست جمهوری فرانسه، نقش میانه‌روی که این کشور ایفا می‌کرد تبدیل به مواضع سرسختی شد که گاهی حتی گوی سبقت را از آمریکا می‌ربود. از سال ۲۰۱۰ میلادی نیز هنگامی که فرانسه احساس کرد مذاکره با ایران به نتیجه نمی‌رسد، تحریم‌های اقتصادی علیه تهران را افزایش داد. از دو سال پیش از حصول برجام، فرانسوی‌ها تلاش کرده‌اند که نقش منحصر به فردی ایفا کنند. در این راستا، مواضع فرانسه در مذاکرات نهم نوامبر سال ۲۰۱۳ و مخالفت فابیوس وزیر خارجه وقت آن کشور با متن پیشنهادی آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای

ایران و استفاده از عبارت «یک زلزله در جبهه غربی ها» قابل توجه است. چنین رفتاری در مذاکرات لوزان نیز به چشم می خورد و اصرار فرانسوی ها بر سختگیری بیشتر، حتی آمریکایی ها را نیز ناخشنود کرده بود. با این حال از سال ۲۰۱۳ آمریکا و ایران مستقیماً با یکدیگر وارد مذاکره شدند. این گفتگوها از مدتی پیش با علاقه بیشتری از سوی دو طرف ایرانی و آمریکایی دنبال می شد. از سویی کنگره آمریکا با تهدید به افزایش تحریم ها علیه ایران، باراک اوباما، رییس جمهوری این کشور را تحت فشار قرار داده بود و از سوی دیگر، اعتبار سیاسی حسن روحانی، رییس جمهوری ایران به لغو تحریم ها وابسته بود [۷]. اما اقتصاد فرانسه طی سال های پس از ۲۰۱۰ شاهد رکود گسترده و کسری بودجه کلان برای این کشور بوده است. از این رو توافق با ایران و ورود به اقتصاد این کشور، همواره از اصلی ترین انگیزه و هدف فرانسه در پیگیری مذاکرات بوده است. واقعیت این است که اقتصاد فرانسه ایجاب می کرد که بتواند در داخل کشور برای قشر بیکار خود اشتغال ایجاد کند که عقد قراردادهای تجاری و اقتصادی با ایران می توانست در این زمینه به دولت فرانسه کمک کند. البته فرانسوی ها در حالی علاقه مند به توسعه روابط تجاری و اقتصادی با ایران داشتند که در مذاکرات هسته ای، از این کشور مواضع بعضاً تندی را شاهد بوده ایم. این مواضع تند که بیشتر ریشه در ملاحظات فرانسوی ها در رابطه با کشورهای عرب خلیج فارس و قراردادهای سنگین اقتصادی با این کشورها دارد. البته در این رابطه نفوذ لابی اسرائیل بر دولت فرانسه را هم نمی شود نادیده گرفت. با این حال نباید این را هم از نظر دور کرد که کشورهایی همچون فرانسه گشایش هر نوع باب تعامل و همکاری را مشروط به هزینه و فایده و سبک و سنگین کردن قراردادهای کنونی با کشورهای عرب منطقه و قراردادهای احتمالی آتی با ایران می کند. به هر حال پس از دستیابی ایران و گروه ۵+۱ به توافق جامع هسته ای به نظرمی رسد که فرانسوی ها این آمادگی را دارند که کمی از این ملاحظات بکاهند و خود را آماده ورود به بازار ایران کنند [۸].

آلمان:

مواضع آلمان در قبال مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران همواره بر حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران مبتنی بود، تا آنجا که رسانه‌های رژیم صهیونیستی چندین بار آلمان را به مداخلات با ایران برای دستیابی به بازار این کشور در صورت حصول توافق متهم کردند در همین راستا در بحبوی نهایی شدن مذاکرات، روزنامه صهیونیستی «جرزالم پست» مبنای عملکرد آلمان در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب را لغو تحریم‌ها برای ورود به بازار ایران دانسته و تاکید کرد که موضع «ضعیف» برلین از فشارهای وارده بر جمهوری اسلامی می‌کاهد و احتمال شکل‌گیری یک توافق «بد» را افزایش می‌دهد. این روزنامه در این باره نوشته است: آلمان همواره ملاحظات اقتصادی را به ملاحظات انسانی، حقوق بشر و تلاش برای صلح جهانی ترجیح داده و مدت‌هاست درباره ایران و تحریم‌ها بازی دوگانه‌ای را در پیش گرفته، اما اکنون به نظر می‌رسد در پی کسب منافع کوتاه مدت از این مساله است [۹]. اقتصاد همواره برای آلمان از اهمیت ویژه برخوردار بوده است. این کشور قبل از اعمال تحریم‌ها علیه ایران جز پنج شریک اول تجاری این کشور بوده است و قطعاً نیم‌نگاهی به بازگشت به بازار ایران و سود تجاری حاصل از توافق هسته‌ای با ایران داشته است. بر این اساس بر اساس برآورد «اتاق بازرگانی و صنایع در آلمان» نیز در صورت لغو تحریم‌ها، حجم تجارت سالانه دوجانبه دو کشور به ۱۲ میلیارد یورو خواهد رسید. «مایکل روبین»، کارشناس سیاسی خارجی در اندیشکده امریکن اینترپرایز برای این عقده است که آلمان همواره مسائل تجاری را در اولویت قرار داده و سیاست دوگانه را در قبال ایران و تحریم‌ها در پیش گرفته است. اما اکنون به دنبال سود و منفعت در شرایطی است که جامعه بین‌الملل هنوز تحریم‌ها را علیه ایران حفظ کرده است. از زمانی که گروه ۱+۵ شامل آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه و آلمان در نوامبر سال ۲۰۱۳ به یک توافق اولیه با تهران دست یافتند، سیاستمداران و تجار آلمانی به شدت تلاش کرده‌اند تا توجه دولت ایران را به خود

جلب کنند [۱۰].

هنگامی که تحریم های اروپا و ایالات متحده سخت تر شد، ایران به سمت آسیا چرخش بیشتری داشت و نگاه ایران به آسیا برجسته تر شد. با وجود تلاش هایی که برای دور کردن پکن از تهران صورت گرفت، واشینگتن مجبور شد تا چین را از تحریم ها معاف کند تا این کشور بتواند به واردات نفتش از ایران ادامه دهد. در حقیقت براساس گزارش آژانس بین المللی انرژی، خرید نفت خام چینی ها از ایران در ژانویه ۲۰۱۴، میزان صادرات ایران را به ۱,۳۲ میلیون بشکه در روز رسید، یعنی ۳۲ درصد بیشتر از محدودیتی که در توافق نوامبر ۲۰۱۳ ایران و گروه ۵+۱ تعیین شده بود.

در طی سال های اخیر اروپا به خاطر تحریم های آمریکا علیه ایران، هزینه سنگینی را متقبل شد چرا که ایران و اروپا به صورت سنتی شریک های تجاری هم هستند و در مدتی که با اصرار آمریکایی ها تحریم هایی را علیه ایران اعمال کرد، عملا خود را از بازار ایران محروم کرد و اکنون با توجه به شرایط اقتصادی اروپا، کشورهای این قاره دیگر تحمل پرداخت این هزینه ها را ندارند به همین دلیل در صدد هستند که با اجرای برجام، بازار ایران را برای خود حفظ کنند و از منافع آن استفاده کنند.

ایران قلب تعدادی از منافع استراتژیک کلیدی چین شامل گسترده شدن و متنوع شدن منابع انرژی، ساخت راه ابریشم که خاورمیانه را به چین و آسیای مرکزی متصل می سازد و افزایش نفوذ چین در منطقه است. در نتیجه، انرژی و تجارت تنها حوزه های همکاری میان دو کشور نیست. سابقه همکاری های دفاعی چین و ایران که شامل فروش تکنولوژی های دفاعی پیشرفته چین و مشاوره در زمینه برنامه موشک های بالستیک ایران می شود، سابقه ای سه دهه ای دارد [۱۱]. چین:

مواضع و منافع هریک از بازیگران مهم جهانی در حفظ و اجرای کامل برجام:

دونالد ترامپ از زمان شروع فعالیت‌های انتخاباتی خود همواره برجام را "یک توافق بد" دانسته و بارها بر خروج آمریکا از این توافق جهانی و "پاره کردن" آن سخن به میان آورده است. اما پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، لحن وی قدری تعدیل شد به طوری که وی با تایید پایبندی ایران به تعهدات خود در برجام، تعلیق تحریم‌های هسته‌ای را برای یک دوره ۹۰ روزه اعلام کرد. به نظر می‌رسد صحبت‌های ضد و نقیض ترامپ در مورد برجام و موضع ایالات متحده در این باره، بیش از آن که جنبه عملی داشته باشد، صرفاً نوعی جنگ روانی و بازی تبلیغاتی و رسانه‌ای باشد. وی در حالی در دیدار خود با نخست‌وزیر ایتالیا از برجام به عنوان یک "توافق وحشتناک" یاد و بر ضرورت خروج آمریکا از این توافق سخن می‌گوید که در مصاحبه خود با وبسایت دیلی کالر خود را مرد نهادهای قانونی می‌داند و از زیر بار توافقی که امضای سازمان ملل را دارد، شانه خالی نخواهد کرد [۱۲]. اما موضع دیگر کشورهای طرف برجام در پایبندی به آن متفاوت از ترامپ است. رسانه‌های بریتانیایی در دیدار "می" و "ترامپ" در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ از صحبت درباره برجام و اختلاف نظر رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر انگلیس درباره توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ خبر داد [۱۳]. اما اتحادیه اروپا که در پایبندی به برجام منافع امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای دارد، بارها به طرق مختلف بر ضرورت حفظ برجام تاکید کرده است. در این راستا مسیول سیاست خارجی اتحادیه اروپا فدریکا موگیرینی در نشست خبری با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در بروکسل گفت: برجام به یک کشور تعلق ندارد، بلکه متعلق به جامعه جهانی است و اجرای کامل آن را تضمین خواهیم کرد. افزود: اروپا در اجرای کامل برجام و تعامل با ایران، منافع امنیتی دارد، همچنین برای طرف اروپایی منافع اقتصادی در نظر داریم. موگیرینی گفت: تعامل با ایران ادامه خواهد یافت. مامی دانیم آمریکا در حال مرور سیاست

خود است اما برجام مورد تأیید شورای امنیت است و مسئولیت داریم اجرای کامل آن را از همه طرف ها تضمین کنیم [۱۴].

نتیجه گیری:

توافق برجام در ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۱۵ میان ایران و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان - گروه پنج بعلاوه یک - بدست آمد. برجام یک توافق چند جانبه جهانی، با طرف های تاثیرگذار و تاثیرپذیر متعدد است. در بررسی نهایی، سرنوشت این توافق که به سختی بدست آمد، به عزم غرب و پایبندی به اصل تعامل سازنده بستگی دارد و هر گونه غفلت از این اصل یا بی توجهی عمدی به آن، می تواند همه را به پله اول بازگرداند. بدون تردید، تعامل، یک خیابان یک طرفه نیست و نمی توان به تنهایی آن را طی کرد. ایران تاکنون گام های محکمی در جهت تعامل سازنده با هدف دستیابی به اهداف مشترک در چارچوب برجام برداشته است. اما تجربه پس از اجرای برجام نشان داد موانعی که امریکادر مسیر تجارت و بازرگانی ایران ایجاد کرده هنوز برداشته نشده اند و حتی موانع جدیدی جایگزین موانع قبلی شده اند. بسیاری از کشورها در یک دهه گذشته به دلیل راوبط خود با امریکا در مورد تحریم های یک جانبه این کشور علیه ایران گرفتار شدند و زیان دیده اند. اما پس از حصول توافق، اکثر طرف های درگیر در فرآیند به سرانجام رسیدن برجام توانستند علاوه بر محیا کردن شرایط حضور خود در بازار ایران و بهره مندی از منافع گسترده اقتصادی موجود در بازار ایران، راه را برای تعامل مجدد با کشوری کلیدی و بسیار تاثیرگذار در تقاطع خاورمیانه، خلیج فارس، افغانستان و آسیای میانه، باز کنند. منطقه ای وسیع که از رادیو کالیسم، فرقه گرایی و تروریسم به ستوه آمده است.

منابع:

(۱) “از ۱+۵ بیشتر بدانیم”، پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی، منتشر شده در ۱۲ اسفند ۹۱، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.farhangnews.ir/content/26812>

(۲) “انتخاب‌های پیش‌رو، آینده معامله با ایران”، فرانک ویزنر قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://iranprojectfcsny.org/event/choices-ahead-exploring-the-future-of-the-iran-deal/>

(۳) “مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران”، دکتر علی اکبر جعفری و رویا میرجلالی، پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم – فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی

(۴) “روابط سینوسی پرتنش ایران و انگلستان پس از انقلاب”، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مرتضی سعیدی، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://bcir.pchi.ir/show.php?page=contents&id=9721>

(۵) “کلید ترمیم رابطه تهران-لندن در قفل پرونده هسته‌ای”، وب‌سایت دیپلماسی ایرانی، منتشر شده در ۲۴ مرداد ۹۲، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919707>

(۶) “مواضع آلمان، انگلیس، روسیه و فرانسه در قبال مذاکرات لوزان”، وب‌سایت همشهری آنلاین، منتشر شده در ۱۴ فروردین ۹۴، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://hamshahrionline.ir/details/291016/world/internationalrelations>

(۷) “نقش فرانسه در پرونده هسته‌ای ایران”، یورونیوز فارسی، منتشر شده در ۲۰۱۵/۴/۱، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://fa.euronews.com/2015/04/01/iran-nuclear-talks->

۸) “نقش فرانسه در حصول توافق هسته‌ای”، فرارو، منتشر شده در ۱ تیر ۱۳۹۴، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://fararu.com/fa/news/237606>

۹) “موضع آلمان درباره مذاکرات هسته‌ای، اسرائیل را وحشت زده کرد”، خبرآنلاین، منتشر شده در ۹ تیر ۱۳۹۴، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.khabaronline.ir/detail/431528/World/nuclear>

۱۰) “انتقاد یک روزنامه صهیونیستی از مواضع آلمان در مذاکرات هسته‌ای”، ایسنا، منتشر شده در ۷ تیر ۱۳۹۴، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.isna.ir/news/94040703892>

۱۱) “منافع چین از توافق هسته‌ای ایران”، وب سایت دیپلماسی ایرانی، منتشر شده در ۲۶ فروردین ۹۴، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1946486>

۱۲) “سوهان ترامپ بر روح برجام”، موسسه ابرار معاصر تهران، منتشر شده در ۲۸ تیر ۱۳۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.tisri.org/default-2478.aspx>

۱۳) “تازه ترین موضع گیری ترامپ در مورد برجام”، پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی، منتشر شده در ۱۷ تیر ۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.farhangnews.ir/content/258567>

۱۴) “اروپا در تعامل با ایران منافع امنیتی و اقتصادی دارد”، پایگاه اینترنتی شبکه خبر، منتشر شده در ۲۱ تیر ۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<https://www.irinn.ir/fa/news/509207>



از زمان به نتیجه رسیدن مذاکرات نفس گیر هسته‌ای بین ایران و ۵+۱، میزان تاثیرگذاری هریک از طرف های مذاکره با جمهوری اسلامی ایران در فرآیند حصول این توافق، از اهمیت خاصی برخوردار شد. در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است.

انذشکده از بسک و تبیین

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: